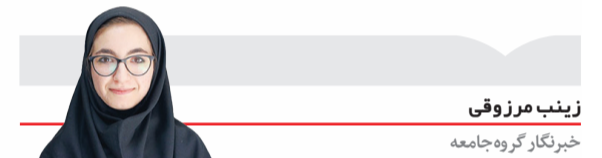


اثر اجتماعی بعضی اقدامات در حل مساله بی حجابی چه قدر است؟

آدرس‌های غلط برای یک موضوع اجتماعی



زینب مرزوقی

خبرنگار گروه جامعه

برای انجام اعمال یکی از شب‌های قدری که گذشت، شب زنده‌داری و جوشن کبیر خواندن، گلزار شهدا را انتخاب کردم. با اینکه راه دور بود و دیروقت اما نمی‌دانم چرا احساس کردم که به رفتن می‌ارزد و پشیمان نخواهم شد. از قضا همین هم شد. فضا برایم متفاوت بود؛ چرا که چهره‌ها و سبک آدم‌هایی که آنجا حضور داشتند نیز متفاوت بود. برام عجیب به نظر نمی‌رسید اما خیلی‌ها آن شب و در آن موقعیت- فارغ از پوششی که داشتند- بنابر اعتقاد قلبی‌شان حاضر شده بودند. همیشه دل است که پای آدمی را به خیلی جاها

می‌کشاند. آنجا هم انگار این قاعده صادق بود و علی‌رغم تفاوت ظاهر اما دل‌ها، نام‌های مشترکی را صدا می‌زدند. بعد از اتمام مراسم به سمت گلزار شهدای مدافع حرم رفتم؛ شهدایی که مزار آرمان علی‌وردی در نزدیکی‌شان است. تعداد جمعیتی که در کنار مزار شهدای مدافع حرم حضور داشتند، آنقدر برایم عجیب بود که گویی‌ام را چک کردم تا ببینم الان ساعت چند است! سبک و ظاهر و به تعبیر خودمانی، شکل و قیافه‌شان هم متفاوت بود. دخترهای زیادی با چادر رنگی و شلوارهای کوتاه، برای مزار آرمان علی‌وردی گل آورده بودند که شاید خیلی از جمع‌های مذهبی موجود در جامعه، پوشش‌شان را قبول ندارند. اما مگر چیزی به جز ابراز ارادت به اعتقادات آن جوان و سایر شهدا در آن لحظه بود که چنین افرادی را تا آنجا کشانده بود؟ واقعیت این است که چیزی جز آن نیست

و نمی‌تواند باشد. هر قدر که کلیت پوشش در جامعه‌مان چه از لحاظ قهقی و چه از لحاظ عرفی، آدابی دارد و نقدهایی به مساله سهل‌انگاری در انجام این فریضه الهی توسط برخی بانوان هموطن وارد است اما همه ما ایرانی‌ها، مجموعه مفاهیم مشترکی داریم که در شرایطی خاص تفاوت‌ها را کنار می‌گذاریم و حول اشتراک‌مان گرد یکدیگر جمع می‌شویم.

جمعه گذشته بود که در روز جشن ۱۰ کیلومتری عید غدیر، بسیاری از تهرانی‌ها با هر ظاهر و پوششی کنار یکدیگر جمع شدند تا در روز عید ولایت، قلب‌هایشان را بار دیگر به مهر حضرت امیر گره بزنند. البته حجاب یک فریضه دینی است و در یک جامعه اسلامی و به عنوان یک مسلمان باید این فریضه را به‌جا بیاوریم اما در جشن عید غدیر، کسی کاری نداشت چند سانت از موی

کار در غسالخانه؛ مجازات کشف حجاب

که متاسفانه در حال تکمیل این پارلند، البته تاحدودی هم قبح عرفی و شرعی کشف حجاب در برخی شهرها بنابر همین دلیل مبارزه مدنی و واکنش سیاسی شکسته شده و قبح‌شکنی این امر به‌طور کامل، بدون قطع به‌ضرر حاکمیت خواهد بود و دشمن را به هدف موردنظر نزدیک خواهد کرد.

روز گذشته تصویر یکی از احکام صادر شده از سوی دادگاه برای کشف حجاب یک خانم منتشر شد. در حکم آمده بود، به‌دلیل کشف حجاب هنگام رانندگی باید ۳۱ میلیون ریال به‌جای دوماه حبس تعزیری پرداخت شود، همچنین متهم به یک ماه کار در غسالخانه (شستن میت) محکوم شده است. حتی معتقدان به لزوم رعایت حجاب به‌عنوان قانون و تاکید به جنبه عمومی آن، واکنش‌های منفی نسبت به این حکم در فضای مجازی داشتند، زیرا اولین پرسشی که مطرح می‌شود این است، چنین حکمی دقیقا چه تناسبی با فریضه الهی و دینی حجاب دارد و تا چه میزان حتی ممکن است چه از لحاظ جنبه قانونی و چه دینی، فرد را ملزم به رعایت حجاب کند؟ انجام اعمال مرتبط با غسل و کفن میت، بر دیگران واجب کفایی است و پاداش معنوی بسیاری در روایات و احادیث برای غسل دهنده نقل شده است. مساله ما این است که چرا باید یک مساله مستحب دینی، در برابر قانون‌شکنی یا ترک یک فعل دینی قرار بگیرد و آن‌گونه جلوه داده شود که غسل میت جزای یک کار سوء و قانون‌گریزی است؟ ابتدا می‌خواستم بنویسم به‌خودی‌خود اما کمی که فکر کردم،

متولد و تربیت شده‌ایم. شاید پایبندی به سنت رفته‌رفته در خانواده‌ها و جامعه، نسبت به دهه‌های قبیل کم‌رنگ شده اما کلیت وجود امور مذهبی در خانواده‌های ایرانی قریب به اتفاق برقرار است. شاید این مذهب نسبت به اقتضات اجتماعی و مدرنیته متجدد شود اما باز هم ریشه‌های اصلی‌اش در اکثر خانواده‌های ایرانی وجود دارد. برای همین چه بخواهیم بپذیریم و چه نخواهیم، در جنبه‌هایی علق ما به مذهب و امور دینی نمود پیدا می‌کند و دقیقا این همان امری است که از قضا رهبری نیز در این سخنرانی خود و محتوایی که در سطرهای قبل نقل کرده‌ایم، اشاره کرده‌اند. این مساله که بسیاری از همین بانوانی که کشف حجاب می‌کنند همچنان معتقد به دین و مذهب هستند اما از طرفی تهاجم و برنامه‌ریزی دشمن نسبت به حجاب، ممکن است آنها را به انجام فعلی مانند کشف حجاب به‌عنوان یک کنش سیاسی یا مبارزه مدنی وادار کرده باشد، یعنی اینکه ممکن است در میان چهره‌هایی که در این مدت در خیابان‌ها کشف حجاب کرده‌اند، ما با دختری برخورد کنیم که معتقد به مناسک مذهبی مثلا عزاداری محرم باشد اما کشف حجاب را یک کنش مدنی در اعتراض با مساله اقتصاد تعریف کند و اطلاعی نداشته باشد که همین امر در نهایت به نفع چه کسانی در خارج از کشور، مصادره سیاسی می‌شود؛ چرا که طراحی دشمن همین بود که در نهایت کشف حجاب را مبارزه مدنی تعریف و کنش سیاسی را در مقابل تصمیمات حاکمیت بازتعریف کند. در ارائه این بازتعریف البته عوامل دیگری هم دخیل هستند

اینها بچه‌های خودمانند

فلان گرهمایی حجاب در ورزشگاه آزادی تصمیم گرفتیم که در جامعه، پوشش ما بر اساس دین اسلام پیش ببرم. حتی کمتر کسی هم ممکن است پیدا شود که از ترس گشت ارشاد، باحجاب شده باشد. اگر بخواهیم کلیشه‌هایی مانند تهاجم فرهنگی و تغییر سبک زندگی خانواده‌ها را فاکتور بگیریم، آنچه که باید پذیرفت این است که تمرکز دشمن روی مساله حجاب، حداقل از شهرپورماه سال گذشته، یک پروژه برای ضربه به نهاد حاکمیت و تضعیف دین در کنار تضعیف حاکمیت است. اگر این مساله که اتفاق رهبری نیز از آن به‌عنوان برنامه دشمن اشاره کرده‌اند، را بپذیریم؛ شاید به‌عنوان نهاد یا فرد تصمیم‌گیرنده در خصوص التزام قانونی به حجاب، بتوانیم بهتر تصمیم بگیریم؛ اینکه مثلا حکمی مانند ارائه خدمات عمومی در غسالخانه به‌عنوان مجازات عدم رعایت حجاب، تا چه میزان پروژه دشمن را شکست می‌دهد؟ چقدر افراد را به رعایت نماز عید اسلامی در اجتماع ترغیب می‌کند و آیا راهکار مناسبی برای مقابله با حجاب، به حساب خواهد آمد یا خیر؟

«حجاب یک ضرورت شرعی است. شریعت است. ضرورت شرعی است. یعنی هیچ تردیدی در وجوب حجاب وجود ندارد. این را همه باید بدانند. اینکه حالا خدشه کنند، شبهه کنند که آیا حجاب هست، لازم است، ضروری است؟ نه. جای خدشه و شبهه ندارد. یک واجب شرعی است

که باید رعایت بشود. منتها آن کسانی که حجاب را به‌طور کامل رعایت نمی‌کنند، اینها را نباید متهم کرد به بی‌دینی و ضدانقلابی؛ نه. من قبلا هم گفته‌ام؛ یک وقتی در سفری از سفرهای استانی که می‌رفتم، به جمع علما گفتم این راه علمای آنجا جمع بودند. گفتم چرا گاهی بعضی از شما این خانمی را که حالا فرض کنید یک مقداری موهایش بیرون است یا به تعبیر رایج بدحجاب است - که حالا باید گفت ضعیف‌الحجاب؛ حجابش ضعیف است- متهم می‌کنید؟ بنده وارد این شهر شدم، جمعیت آمدند استقبال. شاید اقلا یک‌سوم جمعیت این‌چور خانم‌ها هستند؛ دارند اشک می‌ریزند. این را نمی‌شود گفت ضدانقلاب است. این چطور ضدانقلابی است که این‌چور با شوق و باحرارت و با انگیزی می‌آید و مثلا فرض کنید در فلان مراسم دینی یا فلان مراسم انقلابی شرکت می‌کند؟ اینها بچه‌های خودمانند. دخترهای خودمانند. من چندبار تا حالا در خطبه نماز عید فطر این را تکرار کرده‌ام که در مراسم ماه رمضان، در شب‌های احیا -عکس‌هایش را برای من می‌آورند، حالا من که آنجاها را نمی‌توانم [بروم] اما تصویرش را برای من می‌آورند- زن‌ها با ریخت‌های مختلف، قواره‌های مختلف اشک می‌ریزند. من حسرت می‌خورم به آن جور اشک ریختن! می‌گویم ای کاش من هم می‌توانستم این جور مثل این دختر، مثل این زن جوان اشک بریزم، این را چطور می‌شود متهم کرد؟ بله. کار درستی

در سطرهای بالا اشاره شد که برخی تصمیمات در مقابله با کشف حجاب، این روزها در جامعه پازل این مساله را به یک اکت سیاسی و کنش مدنی تکمیل می‌کند. علی‌رغم هشدارهای رهبری در داشتن یک برنامه اصولی برای مساله حجاب و تاکید بر این امر که ممکن است بسیاری از این خانم‌ها از سوءاستفاده سیاسی دشمن در رابطه با این امر، بی‌خبر باشند، همچنان برخی تصمیم‌گیری‌ها از سوی مسئولان یا مدیریت اقتدار خاصی از مردم و اصرار بر ایجاد دودستگی در میان مردم، دشمن را به هدفش یعنی کشف حجاب به مثابه کنش سیاسی در مقابله با حاکمیت، نزدیک خواهد کرد. حتی شاید لازم نباشد که به عقب بازگردیم و بررسی کنیم که چرا برخی از بانوان در جامعه میل به کشف حجاب دارند، بلکه آنچه در این باره لازم است، این مساله است که چرا دشمن، حجاب را برای مساله مبارزه با حاکمیت انتخاب کرده و تصمیمات اتخاذ شده در چند سال تا چه میزان، عدم پایبندی به حجاب را به‌عنوان قانون‌گریزی شفاف کرده است. بر همین اساس و ارائه پاسخ‌های این سوال شاید کمک کند که با برنامه‌ای جامع، با خطاهایی کمتر برای شکست پروژه دشمن پیش برویم. واقعیت آن است که تصمیمات و برنامه‌های اجرا شده در خصوص مساله حجاب، نه از بعد اجتماعی، نه بعد قانونی و نه حتی شرعی، کمکی به التزام به این مساله از سوی بانوان نکرده است. اکنون هم ممکن است همین اتفاق بیفتد و شاید کمتر زن کم‌حجابی پیدا خواهد شد که بیاید و بگوید من به دلیل جریمه چندصدتومنی، مجبه شده‌ام یا به دلیل

شرکت‌کنندگان بیرون است یا مثلا دیگری، چادر را با چه آدابی به سر دارد. همه جمع شده بودند و شرایط شادی به وجود آمده برای این عید، برای همه هم برابر بود یا حتی قبل ترش و در آستانه عید نوروز که شهید آشوری تفحص شد و اعلام کردند که تمام اعضای خانواده‌اش فوت شده‌اند هم همین الگو تکرار شد. در یک امر، ما به‌عنوان هموطن به دور نام ایران می‌گردیم و در جای دیگر به‌عنوان هم‌کیش و هم‌مذهب، به دور یکی از نام‌های اعظم و یکی از انوار خدا روی زمین. در آستانه محرم هستیم و دیگر گفتن و نوشتن از این مساله بی‌شک تکرار مکررات است که نام حضرت اباعبدالله چه شوری در دل‌ها و شهرهایمان به راه می‌اندازد و دیگر ارادت قلبی به ایشان حتی سواي پوشش، ظاهر یا یک دین و آیین است.

به‌نظر می‌رسد اتفاقا با کج‌سلیقگی واجب شرعی یعنی حجاب و واجب کفایی یعنی غسل میت را در مقابل یکدیگر قرار می‌دهیم و در چنین حکمی، دین را در مقابل دین قرار داده‌ایم در صورتی که اصلا عملی مانند غسل میت مساله‌ای نیست که بخواهد به‌عنوان مجازات یک مساله دینی-اجتماعی مثل حجاب قرار بگیرد؛ چرا که دقیقا همین عملی که به‌عنوان مجازات دنظر گرفته شده، آداب و احکام مرتبط با خودش را دارد و موضوعی نیست که بتوان آن را به دست افراد ناآگاه از احکام دینی سپرد.

در سخنان رهبری همچنین به این مساله اشاره شد که دشمن با برنامه درخصوص مساله حجاب زن در جمهوری اسلامی وارد شده است و ما نیز باید با برنامه وارد شویم و کارهای بدون برنامه و بی‌قاعده نباید انجام شود. شاید نتوانیم بگوییم که به‌طور قاطع چنین حکمی، نشان از بی‌برنامگی است اما به‌هرحال این سوال به میان می‌آید که صدور این حکم چگونه می‌تواند در پایبندی به حجاب و جلوگیری از کشف حجاب، تاثیر مثبت داشته باشد؟

یا حتی برگزاری جمع‌ها یا گردهمایی‌هایی با عنوان حجاب شوق چند نفر را برای رعایت حجاب اسلامی و پایبندی به آن در جامعه برانگیخت؟ در اینجا، اصلا صورت مساله با برگزاری یا عدم برگزاری این گردهمایی‌ها نیست بلکه آنچه که بعدا باید مورد بررسی یا قضاوت قرار بگیرد، این است که چنین برنامه‌هایی با این قبیل عناوین، چه میزان کارایی درخصوص مساله حجاب در جمهوری اسلامی داشته است و تا چه میزان در حل مساله کشف حجاب در این روزها و ماه‌های اخیر کمک‌کننده بود؟

بدحجابی یا ضعف حجاب درست نیست اما این موجب نمی‌شود که ما این [افراد] را از حوزه دین و انقلاب و مانند اینها خارج کنیم و خارج بدانیم. چرا؟ البته همه ماها یک نقص‌هایی داریم، باید نقص‌ها را برطرف کنیم. هر چه بتوانیم برطرف کنیم، بهتر است. این یک مساله و یک موضوع دیگر که راجع به مساله حجاب بود.

این سخنان نیز بخشی از بیانات رهبری در دیدار با اقشار مختلف بانوان در دی ماه سال گذشته است. نکته‌ای که مورد اشاره رهبری هم قرار گرفت و در نقل‌های مختلفی به آن اشاره کرده‌اند؛ دقیقا تلقی این امر است که افراد کم‌حجاب یا به قولی شل‌حجاب، ضدحاکمیت و ضدجمهوری اسلامی ایستاده‌اند. تعبیر دیگر این سخن یعنی همان سیاسی جلوه دادن یک امر قانونی-دینی و ایجاد یک تقابل در افراد؛ اینکه مثلا من به‌عنوان یک خانم، با عدم رعایت پوشش، مخالفت یا اعتراض را به حاکمیت برسانم. بدون شک، لزوم رعایت حجاب اسلامی بر همگان واجب است و به قول بنیانگذار فقید جمهوری اسلامی اسلام با آزادی مخالف نیست بلکه با بی‌فقتی مخالف است. اما در مواردی، برخورد با واکنش‌های صورت گرفته درخصوص عدم التزام به این واجب شرعی، در ابتدا یک خشم از دین در افراد و دین‌گریزی به وجود خواهد آورد و در جنبه دیگر این تصمیمات، این مساله را خواهند رساند که استفاده از این هنجارشکنی، ابزار سیاسی و به‌گونه‌ای اعتراض نسبت به حاکمیت یا اجتماع خواهد شد.